

## درس سیزدهم - لطف حق

پروین اعتصامی شاعر ایرانی معاصر است. از او به عنوان مشهورترین شاعر زن ایرانی یاد می کنند. شعرهای او در دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. او در تبریز به دنیا آمد و در ۳۵ سالگی در تهران وفات یافت و در شهر قم به خاک سپرده شد.

### واژگان

دایه : پرورش دهنده - پرستار کودک شیوه : راه - روش طغیان : بالا آمدن آب دریا - سرکشی و نافرمانی لطف ک محبت و مهربانی به که : بهتر است که گاهواره اش : گهواره ی او خوش تر : خوب تر - راحت تر وحی : پیامی که از طرف خداوند نازل می شود	در فکند : انداخت - رها کرد رب جلیل : خدای بلند مرتبه و بزرگ خرد : کم سن و سال - کودک حسرت : اندوه - افسوس کاین : که این اینک : اکنون - حالا اندر : در عدل : انصاف - عدالت - رعایت برابری بنده پروری : لطف و مهربانی کردن
از پی اش : به دنبال آن پران : در حال پریدن - در حال پرواز اجل : پایان زندگی - زمان مرگ نگون اقبال : بدبخت کمان : ابزار تیر اندازی برکف : در دست قضا : سرنوشت صیاد : شکارچی	شنیدسم : شنیده ام صلاح : شایسته - مصلحت شهbaz : نوعی پرنده شکاری سفید رنگ کهنسال : پیر - سالخورده تاخت : حمله کرد - هجوم آورد تازان : با سرعت - شتاب زه : چله کمان بگسست : پاره شد حی داور : پروردگار

### هم خانواده :

صلاح : مصلحت - صلح لطف : لطیف - الطاف باطل : ابطال کهن : کهنه	عشق : عاشق - معشوق جلیل : جلال عدل : عدالت - عادل صیاد : صید
--	---

### مخالف

نگون اقبال : خوش بخت عدل : ظلم مرگ : زندگی شاد : ناراحت	بی گناه : گناه کار کهنسال : جوان خندان : گریان باطل : صحیح - درست
--	--

### کلمات املائی

در فکند - رب جلیل - وحی - باطل - بنده پروری - دایه اش - سیلاب - طغیان - بسپاری - حسرت - خرد - توفان - حی داور -	شست پا - اجل - کهنسال - باطل - اندوه - عدل
---	--

### لطف حق

- مادر موسی چون موسی را به نیل در فکند از گفته ی رب جلیل  
وقتی که مادر حضرت موسی به فرمان پروردگار حضرت موسی را به رود نیل انداخت
- خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه  
گفت کی فرزند خرد بی گناه  
در ساحل رود نیل ایستاد و با افسوس نگاه کرد و گفت ای فرزند موچک و بی گناه من
- گر فراموشت کند لطف خدای  
چون رهی زین کشتی بی ناخدای ؟  
اگر خداوند تو را فراموش کند چگونه از این کشتی بی ناخدا ( گهواره ) رهایی پیدا خواهی کرد
- وحی آمد کاین چه فکر باطل است ؟  
رهرو ما اینک اندر منزل است  
از جانب خدا وحی آمد که این چه فکر باطلی است که می کنی ؟ کسی که به دستور ما و در راه ما فرستاده بودی الان به مقصد رسیده است و جایش امن است
- ما گرفتیم آنچه را انداختی  
دست حق را دیدی و نشناختی ؟  
آن کسی را که به آب انداختی ما مواظبت می کنیم . آیا دست مهربانی خدا را دیدی و نشناختی ؟
- در تو تنها عشق و مهر مادری است  
شیوه ی ما عدل و بنده پروری است  
در تو فقط عشق و مهر مادر به فرزند وجود دارد در حالی که روش ما عدالت و مهربانی به بندگان است
- سطح آب از گاهوارش خوش تر است  
دایه اش سیلاب و موجش مادر است  
حرکت بر روی آب از حرکت در گهواره الان برای او خوشایند تر است . سیل دریا مانند دایه مراقب او و موج را هم مانند مادر برایش قرار دادیم
- رودها از خود طغیان می کنند  
آنچه می گوئیم ما آن می کنند  
رودها به دلخواه خودشان طغیان و نافرمانی نمی کنند . هر چه ما دستور بدهیم آن را انجام می دهند
- ما به دریا حکم توفان می دهیم  
ما به سیل و موج فرمان می دهیم  
این ما هستیم که به دریا دستور می دهیم توفانی شود . این ما هستیم که به سیل و موج فرمان حرکت یا توقف می دهیم
- به که برگردی به ما بسپاری اش  
کی تو از دوست تر می داری ش  
بهتر است که بازگردی و او را به ما بسپاری . تو هرگز نمی توانی او را بیشتر از ما دوست بداری

## امید

- شنیدستم که شهبازی کهنسال  
کیوتر بچه ای را کرد دنبال  
شنیده ام که باز سالخورده ای کیوتر کوچکی را دنبال کرد
- ز بیم جان کیوتر کرد پرواز  
به هر سو تاخت تازان از پی اش باز  
کیوتر از ترس جانش شروع به پرواز کرد اما به هر طرف که پرواز می کرد باز شکاری به دنبالش بود
- به دشت و کوه و صحرا بود پران  
ز چنگ باز شاید در برد جان  
در دشت و کوه و صحرا پرواز کرد تا شاید از چنگال باز جانش را نجات دهد و زنده بماند
- اجل را دید و شست از زندگی دست  
درختی در نظر بگرفت و بنشست  
مرگ را پیش چشمان خودش دید و نا امید شد . درختی را در نظر گرفت و نشست
- نظر کرد آن نگون اقبال بر زیر  
که صیادی کمان بر کف به زه تیر  
آن کیوتر بدبخت وقتی زیر پای خود را نگاه کرد دید که شکارچی کمان در دست دارد و تیری را آماده پرتاب به سوی او کرده است
- به زیر پای صیاد و به سر باز  
نه بنشستن صلاح است و نه پرواز  
زیر پایش شکارچی و بالای سرش باز شکاری نه می توانست آن جا بنشیند و نه پرواز کند

- به کلی رشته ی امید بگسست در آن دم دل به امید خدا بست  
کیوتر کاملاً نا امید شده بود و در آن لحظه به خداوند امید وار شد
- چو امیدش به حق بود آن کیوتر نجات از مرگ دادش حی داور  
چون که کیوتر امیدش به خداوند بود خداوند او را از مرگ نجات داد
- بزدماری به شست پای صیاد قضا بر باز خورد آن تیر و افتاد  
ماری شست پای صیاد را نیش زد و تیر رها شد و به بازی شکاری خورد و افتاد
- به خاک افتاد هم صیاد هم باز کیوتر شاد و خندان کرد پرواز  
هم شکارچی و هم باز به زمین افتادند و کیوتر با خوشحالی پرواز کرد

### دانش زبانی :

گرداگرد یعنی دور تا دور      لبالب یعنی پر      پیایی : پشت سر هم  
سراسر یعنی همه جا      دمامد یعنی هر لحظه  
شکل و ساخت این کلمه ها را دقت کنید .      اسم + ا + اسم  
این کلمات توضیح بیشتری درباره ی مفهوم جمله می دهند و معنای جمله را کامل تر می کنند.

### نکته :

کلماتی مانند سپس و بعد نیز در دو جمله را به هم پیوند می دهد و به نوعی ترتیب زمانی اتفاقات را نشان می دهد . در واقع جمله دوم در ادامه جمله اول می باشد .  
معلم کتاب را بست ، سپس شروع به قدم زدن کرد .  
قدم زدن به ترتیب بعد از بستن کتاب صورت گرفته است .

### نکات نگارشی :

توجه داشته باشید هنگامی که داستان یک شعر را به صورت متن می نویسید :

- داستان شروع مناسبی داشته باشد
- پیام یا محتوای شعر حفظ شود
- نشانه های نگارشی در جای مناسب استفاده شود
- داستان با جمع بندی مناسبی پایان یابد
- نوشته ی خود را پاک نویس کنید .

\*\*\*\*\*

### پرسش های متن درس

- ۱- معنی هر کلمه را مقابل آن بنویسید .  
بگسست :      تاخت :      قضا :      شنیدستم :  
درفکند :      طغیان :      حی داور :      پران :
- ۲- کلمات صحیح را انتخاب کنید و در جای خالی قرار دهید .  
( لبالب - سراسر - دمامد - گرداگرد )  
وقتی هواپیمای اما بر دل عاشق مردم فرود آمد مرد ..... او حلقه زدند .  
صدای تکبیر ..... از هر سو شنیده می شد .  
هنگام ورود امام خیابان های مسیر استقبال ..... از جمعیت بود .

۳- مخالف هر واژه را بنویسید .

بی گناه : کهنسال : نگون اقبال : خندان :  
باطل : مرگ : شاد : عالم :

۴- با استفاده از حروف داده شده، در جای خالی واژه‌ی مناسب قرار دهید.

الف) مادر موسی ..... (و ه ا گ ا ه ر) را به رود نیل سپرد.

ب) شیوه‌ی خداوند عدل و ..... (ه ن پ د ب و ر ی) است.

۵- هم خانواده هر واژه را بنویسید .

عشق : حکم : صلاح : لطف :  
صیاد: عدل : باطل : جلیل :

۶- جمله‌های درست و نادرست را مشخص کنید.

- مادر موسی، فرزندش را به فرمان خداوند در رود نیل انداخت.

- در آفرینش زمین، همه چیز در اختیار و فرمان خداوند است.

- مادر موسی، او را بیشتر از همه دوست می‌داشت.

۷- مفهوم این بیت چیست .

رودها از خود نه طغیان می کنند  
سطح آب از گاهوارش خوش تر است  
آن چه می گوئیم ما آن می کنند  
دایه اش سیلاب و موجش مادر است

۸- در متن زیر غلط‌های املائی را پیدا کنید و درست آن را بنویسید.

ما به دریا حکم توفان می دهیم . غذا بر باز خورد آن تیر و افتاد . بزد ماری به شست پای سیاد . نه بنشستن سلاح است و نه پرواز .

۹- معنی واژه‌های زیر را نوشته و با آن جمله بسازید.

الف) دمام = ..... ← .....

ب) پیایی = ..... ← .....

۱۰- شعر را کامل کنید .

..... افتاد هم ..... وهم باز  
کیوتر ..... و ..... کرد پرواز  
چو امیدش به ..... بود آن .....  
از مرگ دادش .....

۱۱- در جمله دایه اش سیلاب و موجش مادر است . شباهت مادر با موج چیست .

۱۲- رویدادهای زیر را مرتب کنید .

- که ناگهان آسمان گرفت .
- با شروع باران مدتی زیر درخت ایستاد تا باران بند آمد
- او با دیدن در بسته دلش گرفت .
- علی پول را از مادرش گرفت .
- او با سرعت به طرف کتاب فروشی رفت .
- کتاب فروشی بسته بود .

۱۳- منظور از حی داور چیست

الف ( فریاد داور      ب) داور خوب      ج) پرودگار      د) داور بزرگ

۱۴- کلمه بعد بین دو جمله چه کاری انجام می دهد .

الف ( جمله ها را ربط می دهد      ب) ترتیب زمانی را نشان می دهد

ج) مفهوم جملات را به هم ربط می دهد      د) مورد ب و ج

۱۵- کدام گزینه جمع نیست

الف ( بازوان      ب) پران      ج) امواج      د) درختان

۱۶- کدام کلمه از نظر املائی غلط است .

الف ( اجل : پایان زندگی      ب) غذا : تقدیر

ج) تاخت : هجوم آورد      د) زه : چله ی کمان

۱۷- کدام گزینه همیشه قسمت اصلی جمله است .

الف ( مادر      ب) پرید      ج) موج      د) لطف

حرکت روی آب از گهواره برایش خوشایند تر است سیل مانند دایه مراقب اوست و موج مانند مادر مواظب اوست	۱- بگسست : پاره شد قضا : سرنوشت درفکنند : انداخت حی داور : خداوند
۷- حکم - قضا - صیاد - صلاح	۲- گرداگرد - دمامد - سراسر      بی گناه : گناه کار
۸- هر لحظه - پشت سر هم	کهنسال : جوان خندان : گریان
جمله سازی به عهده ی دانش آموز	باطل : صحیح
۹- به خاک افتاد هم صیاد هم باز	مرگ : زندگی عالم: نادان
کیوتر شاد و خندان کرد پرواز	۳- گهواره - بنده پروری
چو امیدش به حق بود آن کیوتر	۴- عشق : عاشق صلاح : مصلحت
نجات از مرگ دادش حی داور	صیاد : صید
۱۰- موج مانند مادر که فرزند را در آغوش می گیرد و تکان می دهد ، گهواره را در میان گرفته و تکان می داد.	باطل : ابطال ۵- درست - درست - نادرست
۱۱- به ترتیب ۳ - ۵ - ۱ - ۲ - ۴	۶- بالا آمدن رودها به خواست و اراده خودشان نیست آنها کاری که ما فرمان می دهیم انجام می دهند
۱۲- گزینه ج	
۱۳- گزینه د	
۱۴- گزینه ب	
۱۵- گزینه ب	
۱۶- گزینه ب	